

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق

یکشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۵

۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ • ۲۳ اگوست ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۸۰۵۴۵۷ صفحه اذان ظهرتهران ۱۲۰:۷ • اذان مغرب ۱۹:۰۳ • اذان صبح فردا ۴۰:۱ • طلوع آفتاب ۵:۳۰



انباشت زباله‌ها و آلودگی‌های انسانی، امروزه چهره آرامش‌بخش سواحل خزر و جنگل‌های هیرکانی را به محیطی آلوده تبدیل کرده است؛ وضعیتی که نشان می‌دهد برخی گردشگران، تفریحات زودگذر خود را بر دغدغه‌های حیاتی نابودی اکوسیستم و تخریب میراث طبیعی کشور مقدم شمرده‌اند. عکس: امید رجایی پور، تسنیم

www.sharghdaily.com
apararat:tasvirshargh
Telegram:SharghDaily
youtube:sharghdaily
twitter:sharghdaily
instagram:sharghdaily1

از محاصره انگلیس تا محاصره دریایی آمریکا

جزایر خلیج فارس و اهمیت راهبردی آنها



مهدی زارع

ایرانی و فرمانداری‌های منطقه‌ای مانند بندر لنگه مدیریت شده است. قرن نوزدهم شاهد گسترش هژمونی دریایی امپراتوری بریتانیا در خلیج فارس از طریق شرکت هند شرقی بریتانیا بود. بهانه، مبارزه با دزدی دریایی بود که نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا تحت پوشش محافظت از مسیرهای تجاری به هند، لشکرکشی‌های نظامی علیه کنفدراسیون دریایی القاسمی –قواسم– را در ۱۸۲۰ در زمان فتحعلی‌شاه قاجار آغاز کرد. بریتانیا یک چارچوب تحت‌الحمایه غیررسمی بر شیخ‌نشین‌های عرب جنوبی ایجاد و آنها را به کشورهای متصالحه –که بخشی از آن امارات متحده عربی کنونی است– تبدیل کرد. هنگامی که مأموران گمرک قاجار در دولت مظفرالدین‌شاه در سال ۱۹۰۴ پرچم ایران را در ابوموسی و تنب‌ها برافراشتند، بریتانیا مداخله نظامی کرد، پرچم‌های ایران را پایین آورد و مأموران را اخراج کرد. برای کنترل خطوط کشتیرانی دریایی بدون اعلام رسمی الحاق مستقیم، حکومت بریتانیا حکومت ابوموسی را به شیخ شارجه و حکومت تنب‌ها را به شیخ رأس‌الخیمه واگذار کرد. هر دو شیخ‌نشین، تحت‌الحمایه بریتانیا بودند و طبق توافق‌نامه انحصاری ۱۸۹۲ از اجرای سیاست خارجی مستقل منع شده بودند. در دوران پهلوی ایران پیوسته اعتراضات دیپلماتیک رسمی به اشغال بریتانیا ثبت، نقشه‌هایی را منتشر می‌کرد که جزایر را به عنوان قلمرو حاکمیتی ایران مشخص و بارها واگذاری اداری جزایر توسط بریتانیا را اشغال استعماری غیرقانونی اعلام می‌کرد. در سال ۱۹۶۸، بریتانیای کبیر که با فشار اقتصادی و تغییر دکتربین‌های راهبردی مواجه بود، قصد خود را برای خروج کامل تمام نیروهای نظامی از شرق سوئز اعلام کرد و تا اواخر سال ۱۹۷۱ به تحت‌الحمایه‌بودن خود بر کشورهای حاشیه خلیج فارس پایان داد. ایران از این خلا امنیتی برای احیای مرزهای تاریخی خود بهره برد. دهه‌ها مذاکرات

نشانه‌خوانی

مردم نگران گرسنگی نباشند



پویانعمت‌اللهی

دکترای علوم ارتباطات اجتماعی

تسویه مالی یا شیکه بانکی باشد. مسئولیت بازگشت وجه ارزی بر عهده چندین دستگاه است و نه وزارت نفت. این شبیه همان ادعای ناموزونی است که هرساله علیه وزارت نفت مطرح می‌شود. مثلاً در قضیه بنزین و ناترازی آن، وقتی خوروبی در اختیار مردم قرار گیرد که مصرف سوخت آن چندین برابر خودروهای خارجی است، آنگاه طبیعی خواهد بود که میزان مصرف مرتب ازدیاد پیدا کند و مادمای که صنعت خودرو به همین وضع ادامه دهد، این ناترازی استمرار می‌یابد. تا وقتی صنعت خوروسازی ما به آمار تولیداتش افتخار کند، هیچ آمیدی به رفع ناترازی نمی‌رود. اما خبر پیش‌گفته تلویحا می‌خواهد بگوید مردم نگران نباشند و گرسنه نمی‌مانند. همین چند روز قبل گزارش تصویری از مرز پاکستان منتشر شده بود که دریایی از کالاهایی مثل برنج و روغن در حال ورود به کشور بود. این درست است که تدبیرهای لازم برای غذای مردم تمهید شده اما مردم فقط با برنج و گوشت و روغن زنده نبودند. استمرار وضعیت موجود موجب بروز تورم‌های سنگینی شده که تاکنون بی‌سابقه بوده و توان اقتصادی مردم را زایل کرده است. فقر استانه‌ای، بدهی خانوار و اقتصاد پنهان، هرکدام بخشی از حاشیه امنیت جامعه را مصرف می‌کنند. خانواری که تمام درآمدش صرف هزینه‌های جاری می‌شود، دیگر ذخیره‌ای برای شوک بعدی ندارد. خانواری که برای تأمین نیازهای امروز قرض گرفته، بخشی از درآمد فردا را پیشاپیش مصرف کرده است. از همه بدتر و بیشتر همانا وضعیت پیش‌روی صنعتگران کشور است. به هر حال خبر این خبرگزاری حاکی است که همه‌چیز به همین سیاق ادامه خواهد یافت. هیچ تغییری در وضع اقتصادی ایجاد نشده و شرایط جاری نه‌تنها جای نگرانی ندارد، بلکه ما باید تا اول زمستان هم خیالمان راحت باشد.

۲۵

برابر

ایسنا: بهای پول برای تأمین مالی سرمایه در گردش تولید در ایران طی ۲۵ سال گذشته پنج تا ۱۰ برابر میانگین جهانی بوده و از سال ۱۳۹۷ نیز جمعیت فقیر کشور طی سه سال دو برابر شده است. فرشاد مؤمنی گفت: برای تأمین مالی حداقل یک تا پنج میلیون دلار، سپرده‌گذاری در کشورهای همسایه ایران را بررسی کردیم و دیدیم آنها برای تحقق این هدف در کشور خودشان لازم است ۵۰۰ هزار دلار سپرده بگذارند. بهای پول در ایران، در مقایسه با کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، بین ۱۲۳ تا ۷۱۴ برابر است.

۱۵۰

میلیارد دلار

آمریکا با راه‌اندازی مرکز همکاری‌های پیشرفته تولید در کارولینای جنوبی، از هوش مصنوعی، رباتیک و مواد پیشرفته برای پاکسازی زباله‌های هسته‌ای استفاده می‌کند؛ پروژه‌ای که برآورد می‌شود بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار صرفه‌جویی در چرخه عمر عملیات پاکسازی ایجاد کند. اگر این فناوری‌ها با موفقیت توسعه پیدا کنند، نتیجه فقط افزایش سرعت عملیات پاکسازی نخواهد بود. این رقم نشان می‌دهد هوش مصنوعی می‌تواند به یکی از عناصر اصلی کاهش هزینه‌های بلندمدت مدیریت میراث هسته‌ای آمریکا تبدیل شود.

زنان

تلاش برای پویاماندن فراتر از سن

یکی از دغدغه‌های زنان، بحث پیری است؛ اینکه واقعا پیر باشند یا احساس پیری کنند. متأسفانه این دو مسئله در بین زنان ایرانی فراوان به چشم می‌خورد. بنابراین وقتی گزارش «کمک به زنان برای پویاماندن در تمامی مراحل زندگی» را خواندم، آرزو کردم این سازمان با مشابه آن در ایران فعالیت کند. این گزارش درباره عملکرد یک سازمان است که قصد دارد به بهبود و توانمندماندن زنان در تمام سال‌های زندگی‌شان کمک کند. این گزارش درباره زنی ۷۰ساله به نام «آن فرانسیسک» است که دوست دارد همچنان به دوجرخه‌سواری ادامه دهد. او از آدم‌هایی است که به تماشاکاریبودن و گوشه‌نشینی رضایت نمی‌دهند. او سال‌ها به‌طور حرفه‌ای در رشته‌های دو، دوجرخه‌سواری، شنا و ورزش‌های سه‌گانه فعالیت می‌کند، بخش اعظم عمر خود را در حرکت و تکاپو گذرانده است. از نظر او در دهه هفتم زندگی‌اش چیزی تغییر نکرده است و او همچنان می‌خواهد رکاب بزند، خود را به چالش بکشد و سال‌های پیش‌رو را با پویایی بگذارد. اما سه سال پیش عمل کرد و با دردی مداوم، خشکی مفصل و محدودیتی شدید در دامنه حرکتی مواجه شد. او دو سال تمام به دنبال راه‌حل گشت، از پزشکان و متخصصان متعدد مشاوره گرفت. تصویربرداری‌ها هیچ ایراد مکانیکی مشخصی را در زانوئ تعویض‌نشده نشان نمی‌داد، اما او همچنان در خم‌کردن آن از درد رنج می‌برد. با وجود درد، دوجرخه‌سواری می‌کرد اما آنچه «آن را» تقریباً به اندازه محدودیت‌های جسمی کلافه می‌کرد، حس نادیده گرفته‌شدن اهدافش بود؛ گویی دیگر کسی اهداف ورزشی او را جدی نمی‌گرفت.

تا اینکه هنگام جست‌وجوی اینترنتی برای یافتن راهکار، با «مرکز حرکت و عملکرد زنان» در دانشگاه علوم پزشکی کنتیکت آشنا شد. هدف این مرکز این بود: «زنان را در سراسر طول عمرشان پویا نگه دارد». این فلسفه در واقع همان دیدگاهی است

که دکتر کارترین کوپبر، مدیر این مرکز، برای تأسیس آن در نظر داشت. این مرکز به زنانی در گروه‌های سنی و سطوح آمادگی گوناگون خدمات می‌دهد؛ از ورزشکاران رقابتی در دبیرستان و دانشگاه تا زنانی که پس از زایمان به ورزش بازمی‌گردند، زنانی که به تغییرات دوران پیش‌بارداری و یائسگی دست‌پنجه نرم می‌کنند یا افرادی که صرفاً می‌خواهند با افزایش سن، تندرستی و پویایی خود را حفظ کنند. در واقع «مخاطب این مؤسسه هر زنی است که می‌خواهد پویا باشد یا تصمیم دارد فعالیت جسمانی را آغاز کند». این مرکز، بیماران را بر اساس نیازهای فردی‌شان به بخش‌های مختلفی از جمله ارتوپدی، فیزیوتراپی، روان‌شناسی ورزشی، تغذیه، غدد و دیگر تخصص‌ها متصل می‌کند. یک رستار هم هست که به بیماران کمک می‌کند در این چرخه درمانی حرکت کنند و آنان را در مسیر پیچیده مراحل بعدی آنها نمی‌گذارد. نکته دیگر اینکه جراحی لزوما هدف اول و آخر نیست. اما این همه مسیر نیست.

کاملاً صادقانه به فرانسیسک گفته شد قبول داده نمی‌شود او کاملاً درمان شود اما خیلی مطمئن‌اند دامنه خم‌شدن زانویش بهتر می‌شود. برای فرانسیک، همین صداقت یک دنیا می‌ارزید. و به او گفته شد: «بانوی فعالی هستی و می‌خوای فعال هم بمونی». همین عبارت ساده بود که زن ۷۰ساله دوست داشت بشنود. البته فرانسیک انتظار ندارد زانویش دقیقاً مانند چند دهه پیش عمل کند. او حتی دوستانی ۸۰ساله دارد که همچنان به دوجرخه‌سواری ادامه می‌دهند. زنانی که دوست دارند پویا بمانند. حالا این مؤسسه به آنها کمک می‌کند.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق ۸۶۰۳۶۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

یادداشت

رستم، آشیل وادیسه در برابر بتمن، سوپرمن واسپایدرمن



علی مرسلی

از میان سه شخصیت سوپرمن، بتمن و اسپایدرمن، کدام‌یک را بیشتر دوست دارید؟ بگذارید پرسشم را جور دیگری مطرح کنم: در برابر رنج و شرارت جهان چه باید کرد؟ زیرا زندگی و داسنات این سه ابرقهرمان، در واقع سه فلسفه متفاوت در مواجهه با شرارت جهان است. سوپرمن از سیاره‌ای بیگانه می‌آید، قدرتی تقریباً نامحدود دارد، باین‌حال هرگز اجازه نمی‌دهد این قدرت فاسدش کند. کلارک کنت و سوپرمن دو شخصیت متضادند؛ یکی‌اند. سوپرمن معتقد است خیر مطلق ممکن است و قدرت واقعی در انتخاب مکرر نیکی نهفته است. بتمن دقیقاً نقطه مقابل اوست. هیچ ابرقدرتی ندارد؛ تنها چیزی که دارد اراده، انضباط و زخمی کهنه از کودکی است. جهان او ذاتاً بی‌معنا و بی‌رحم است؛ مرگ والدینش در برابر چشمانش، برایش شادهی بر همین پوچی است. بتمن در برابر این پوچی با ساختن نظم پاسخ می‌دهد، نه چون بوجا ذاتاً قابل اصلاح است، بلکه چون خودش تصمیم گرفته معنا بسازد. از همین زاویه، بتمن نقطه مقابل جوکر است؛ جوکر هم جهان را پوچ می‌داند، اما بی‌نظمی و شوخی را راه رویارویی با این پوچی برگزیده. اما اسپایدرمن نه بیگانه است، نه پول‌دار، نوجوانی معمولی از طبقه متوسط است که به‌طور تصادفی قدرت به دست می‌آورد و درست در همان ابتدای مسیر، از آن سوءاستفاده می‌کند، مدام دیر می‌رسد، شکست می‌خورد، اشتباه می‌کند، روابطش را از دست می‌دهد. او حتی دغدغه اگزیزستانسیالیستی هم ندارد. فلسفه اسپایدرمن این است که اخلاق، وضعیتی نهایی و دست‌یافتنی نیست؛ کشمکش‌ی روزمره، دشوار و ناتمام است. شاید دلیل محبوبیت بی‌پایان او، به‌ویژه میان نوجوانان، دقیقاً همین خطابذیری، عادی‌بودن و روزمرگی اخلاقیاتش باشد. قسمت جدید اسپایدرمن با زیرعنوان «روز نو» (Brand New Day)، که در سال ۲۰۰۶ اکران شد، به لایه‌های عمیق‌تری از تضاد پیتر پارکر با مقوله قدرت و مسئولیت می‌پردازد. برای ایده «قدرت بزرگ، مسئولیت بزرگ»، لایه تازه‌تری افزوده می‌شود: قهرمانی در انزوا کامل و بدون شناختن‌شدن. اگر در فیلم‌های قبلی پیتر با دوگانگی هویت (پیتر معمولی/ اسپایدرمن) دست‌وپنجه نرم می‌کرد، این‌بار با معضلی عمیق‌تر روبه‌روست: چه می‌شود اگر قهرمانی هیچ پاداش اجتماعی، شناخت، یا حتی رابطه‌ای نداشته باشد؟ شعار تبلیغاتی فیلم می‌گوید: «دنیا ممکن است پیتر پارکر را فراموش کرده باشد، اما او آنها را فراموش نکرده است». ابرقهرمان‌سازی در آمریکا بیش از جنگ جهانی دوم آغاز شد. آمریکا، به عنوان ملتی نوظهور، فاقد اسطوره و تاریخ اسطوره‌ای بومی بود. ابرقهرمانانی که ابتدا در کمیک‌استریپ‌ها متولد شدند بعدها به رادیو و تلویزیون راه یافتند، در حقیقت اسطوره‌های بر ساخته مدرن این ملت‌اند که اکنون دیگر جهانی شده‌اند. سوپرمن، بتمن، اسپایدرمن و امانثاشان نمونه‌های اعلا اسطوره‌های معاصرند که درباره خیر و شر، اخلاقیات، با معیارهای جهان امروز همخوانی دارند، و به همین دلیل چه در تهران، چه نیویورک، چه کابل، چه توکیو و چه قاهره، محبوب و پرطرفدارند. گاهی از زبان ایرانیان می‌شنویم که اگر ما هم می‌توانسیم اسطوره‌هایمان –رستم، کیخسرو و دیوکران– را در دنیا بازآفرینی کنیم، امروز مثل سوپرمن و اسپایدرمن محبوبیت جهانی می‌داشتند. اما این نگاه ساده‌انگارانه، وجه مدرن ابرقهرمانان آمریکایی را نادیده می‌گیرد. آنچه اسپایدرمن را محبوب نوجوانان معاصر کرده، نقض‌ها و کاستی‌های او در عین توانایی‌های خارق‌العاده‌اش است؛ آنچه بتمن را شخصیتی منحصربه‌فرد کرده، فلسفه رویارویی‌اش با شر است، کسی که هرگز نمی‌کشد، با آنکه خانواده خودش قربانی قتل شده‌اند و از کشتن ابا دارد تا چرخه مرگ را قطع کند. و آنچه سوپرمن را منحصربه‌فرد کرده این است که او در عمیق‌ترین لایه وجودی‌اش، نه یک انسان با قدرت، بلکه موجودی کاملاً بیگانه است که تصمیم گرفته انسان باشد و انسان‌ها را دوست بدارد. این ابرقهرمانان مدرن‌اند و مطابق نیازهای فکری و عاطفی بشر امروز و طبیعی است که نه‌تنها رستم ما، بلکه آشیل و ادیسه هم نمی‌توانند با این اسطوره‌سازی مدرن مقایسه شوند یا حتی در رقابت با آنها به‌روز بمانند.